

راهکارهای عینی پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای انسان معاصر

ابراهیم کلانتری*

چکیده

قرآن کدام راهکارهای عینی را برای پاسخ به نیازهای انسان، به‌ویژه انسان معاصر معرفی می‌کند؟ تلاش نگارنده در این مقاله بر جست‌وجوی راهکارهای عینی پاسخ‌گویی قرآن کریم به نیازهای انسان متمرکز شده است و برای رعایت ترتیب منطقی بحث، مقاله در دو بخش ساماندهی شده است: بخش نخست نیازهای انسان را از منظر اندیشمندان دینی و دانشمندان روان‌شناسی بررسی و تبیین و در نهایت انواع نیازهای انسان را فهرست می‌کند. نویسنده در همین بخش گذری نیز بر وضعیت نیازهای انسان عصر جدید دارد. بخش دوم که حجم بیشتری دارد، راهکارهای عینی قرآن برای پاسخ‌گویی به نیازهای انسان را بررسی و تبیین می‌کند. نویسنده در این بخش با توجه به قلمرو و مجال محدود مقاله، بسیاری از این راهکارها را به اختصار مورد توجه قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

راهکارهای قرآنی، نیازهای جسمی، نیازهای روانی، نیازهای روحی،

dr.ekalantari@gmail.com

تاریخ تأیید:

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه الزهراء (ع.ف.ا.م).

تاریخ دریافت: 89/3/9

89/5/18

انسان معاصر.

درآمد

تردیدی نیست که عصر جدید، زندگی انسان را با دگرگونی‌های شگفت‌انگیزی روبه‌رو ساخته است. دانش و فناوری به عنوان دو دستاورد بزرگ عصر جدید: اولاً؛ شیوه زندگی را به کلی دگرگون کرده و در نتیجه شکل نوینی از شهرنشینی و زندگی نو را پدید آورده است.

ثانیاً؛ نوع رابطه انسان با هم نوعان خود را در قالب‌ها و اشکال جدیدی دگرگون ساخته است.

ثالثاً؛ طبیعت را با همه دارای‌اش به تسخیر انسان در آورده است.

از رهگذر هرکدام از این تحولات، صدها مسئله جدید در فضای ذهن و زندگی انسان ایجاد شده که بررسی دقیق و اتخاذ مواضع منطقی درباره هرکدام، از ضرورت‌های نوین عصر ماست که در جای خود بسیار پیچیده و پر ظرافت است.

مواضع نظری و عملی انسان مسلمان در برابر این مسایل از جهتی دیگر نیز پر مخاطره می‌نماید و آن دقت در تطبیق یا حداقل عدم تعارض مواضع با آموزه‌های اصیل اسلام، به عنوان دین خاتم است. انسان مسلمان براساس اعتقاد و عرف دینی خود همواره کوشیده است هرگونه رویارویی نظری و عملی با مسایل جدید را بر پایه کتاب و سنت، به عنوان پایه‌های اصیل دین، بنیان نهد و بدین وسیله دین خاتم را در فضای زندگی خود به جریان درآورد. به یقین چنین رویکردی، مواجهه با مسایل جدید را پیچیده‌تر و دستیابی به پاسخ‌های جامع را دشوارتر می‌سازد.

«راهکارهای عینی پاسخ‌گویی قرآن کریم به نیازهای انسان معاصر» در چنین فضایی رخ می‌نماید و می‌خواهد با مراجعه به آیات قرآن، راهکارهایی را بیابد که بر نیازهای انسان عصر جدید، به صورت عینی انطباق یابد و زمینه را برای تدوین طرحی جامع برای «زندگی در پرتو قرآن کریم» فراهم سازد.

این نوشتار برای تبیین بیشتر موضوع و رعایت ترتیب منطقی بحث، در دو بخش سامان می‌یابد؛

1. تبیین نیازهای انسان و مبادی جسمی و روحی آن.

2. تبیین راهکارهای عینی پاسخ‌گویی قرآن به نیازها.

امید است این مقاله درآمدی برای رسیدن به طرح جامعی باشد که در آن همه ابعاد عینی پاسخ‌گویی آیات قرآن به نیازهای انسان معاصر لحاظ شده باشد.

1. نیازهای انسان

نیازها و حاجات برآمده از حیات و زندگی انسان، عامل اصلی وضع قوانین و مقررات گوناگونی است که از آغاز حیات بشر بر کره خاکی تاکنون پدید آمده‌اند. (ر.ک. به: طباطبایی، بی‌تا: 2 / 31)

در اینکه انسان بر حسب ساختمان وجودی‌اش، موجودی نیازمند است، تردید نیست، اما در اینکه این نیازها از کدامیک از ابعاد وجودی او سرچشمه می‌گیرند، جای تحقیق فراوانی هست. اندیشمندان حوزه‌های مختلف، براساس تخصص و حوزه مطالعاتی خود، به موضوع نیازهای انسان توجه و سرچشمه آنها را بیان و دسته‌بندی کرده‌اند. آنچه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته، بررسی و تبیین نیازهای انسان از منظر اندیشمندان دینی و آن‌گاه از منظر دانشمندان روان‌شناسی است، زیرا با روشن شدن سلسله نیازهای انسان، راه بررسی و تبیین راهکارهای عینی پاسخ‌گویی قرآن به آن نیازها نیز هموار خواهد شد.

الف) نیازهای انسان از منظر اندیشمندان دینی

بسیاری از اندیشمندان دینی از جمله علامه سید محمدحسین طباطبایی (همو، 1414: ج 4؛ همو، بی‌تا: ج 2)، سید قطب (سید قطب، 1402: ج 1)، مرتضی مطهری (مطهری، 1377 الف، ج 1؛ همو، ب)، جعفر سبحانی (سبحانی، 1372)، محمدهادی معرفت (معرفت، 1374: ج 3)، محمدتقی مصباح یزدی (مصباح یزدی، 1388: ج 3)، سید محمدباقر صدر (صدر، 1424) و رشید رضا (رشید رضا، بی‌تا: ج 7) در باب نیازهای

انسان به تحقیق و اظهار نظر پرداخته‌اند. وجه مشترک این تحقیقات، تلاش برای تبیین چگونگی پاسخ‌گویی اسلام، به عنوان دین خاتم، به نیازهای متغیر انسان است و همین امر سبب شده است هر یک به گونه‌ای به بررسی و دسته‌بندی نیازهای انسان بپردازند.

«مسئله چگونگی پاسخ‌گویی دین ثابت به نیازهای متغیر» در یک‌صد سال اخیر، به علت دگرگونی‌های چشمگیر در عرصه زندگی بشر، اهمیت حیاتی یافته و مسئله بنیادی در حوزه‌های مختلف اندیشه دینی شده است، برای همین پژوهش‌های دینی اندیشمندان به صورت گسترده‌ای به آن معطوف شده است.

یک. علامه طباطبایی: در نگاه علامه طباطبایی اصیل‌ترین و با ثبات‌ترین بعد وجودی انسان که جنبه‌ای ثابت از شعاع وجودی اوست، انسانیت انسان است. این جنبه، قدر مشترک تمام نژادهای انسان در همه عصرها و نسل‌هاست که در درجه اول، یک سلسله نیازهای مشترک را پدید می‌آورد که محتاج وضع قوانین مشترک است. (طباطبایی، بی‌تا: 31 و 32)

نیاز به صیانت از جان، خوردن، آشامیدن، غریزه جنسی، لباس، مسکن، عواطف مختلف (مهر و کینه، ترس و امید)، جست‌وجوگری و اندیشه‌ورزی و... از نیازهای مشترک انسان‌هاست که هرگز دچار تحول نمی‌شوند. این «نیازهای ثابت»، قوانین ثابتی را می‌خواهند که در همه عصرها و برای همه نسل‌ها مشترک می‌باشند. (همان)

از سوی دیگر انسان‌ها در زندگی خود نیازهای دیگری دارند که با پیشرفت مدنیت، به تدریج بر طرف و نیازهای تازه‌ای جایگزین آنها می‌شود. این «نیازهای متغیر» نیز، قوانین متغیری می‌خواهند (همو: 29) که باید سازوکار مشخصی برای پاسخ صحیح به آنها در متن دین دیده شده باشد.

برخی دیگر از اندیشمندان «طبیعت مشترک» انسانی را عامل یگانگی نسل بشر در تمام عصرها می‌دانند و براساس آن به وجود یک سلسله از «نیازهای ثابت» و «مشترک» در همه افراد نوع انسان معتقد شده‌اند. (سبحانی، 1372: 298 - 296؛ سید قطب، 1402: 1 / 349)

دو) استاد مطهری: ایشان در شمارش نیازهای انسان، گرچه در اساس، دیدگاهی مشابه استادش علامه طباطبایی دارد؛ روشی دیگری را در تقسیم‌بندی نیازها به کار می‌برد. وی نیازهای انسان را به دو گروه اولی و ثانوی تقسیم می‌کند.

نیازمندی‌های اولی را نیازهایی می‌داند که از عمق ساختمان جسمی و روحی و از طبیعت زندگی اجتماعی بشر سرچشمه می‌گیرد، به گونه‌ای که تا انسان، انسان است و تا زندگی‌اش اجتماعی است، این نیازها هم پا برجا و تغییرناپذیرند. (مطهری، 1377 ب: 49)

استاد مطهری نیازهای اولی را سه دست می‌کند:

1. نیازهای جسمی، از قبیل: خوراک، پوشاک، مسکن، همسر و غیره.
2. نیازهای روحی، از قبیل: علم، زیبایی، نیکی، پرستش، احترام و تربیت.
3. نیازهای اجتماعی، از قبیل: معاشرت، مبادله، تعاون، عدالت، آزادی و مساوات. (همان: 49 و 50)

استاد نیازمندی‌های ثانوی را نیازهایی می‌داند که از نیازهای اولی ناشی می‌شود، مانند نیاز به انواع ابزارها و وسایل زندگی که در هر عصری با عصر دیگر فرق می‌کند. (همان: 50)

وی در مورد تفاوت اساسی نیازمندی‌های اولی و ثانوی می‌گوید:

نیازمندی‌های اولی محرک بشر به سوی توسعه و کمال زندگی است، اما نیازمندی‌های ثانوی ناشی از توسعه و کمال زندگی است و در عین حال محرک به سوی توسعه بیشتر و کمال بالاتر است. (همان)

استاد مطهری این موضوع را از منظر «جاذبه‌ها» و کشش‌های انسان نیز بررسی و جاذبه‌ها را به دو گروه کلی تقسیم می‌کند: (همو، بی‌تا: 27 - 19)

الف) جاذبه‌ها و کشش‌های مادی و طبیعی: میل به غذا، میل به خواب، میل به امور جنسی، میل به استراحت و آسایش و امثال این‌ها که انسان را به سوی ماده و طبیعت می‌کشاند، در همین دسته از جاذبه‌ها قرار می‌گیرند. (همان: 19)

ب) جاذبه‌ها و کشش‌های معنوی: این‌گونه جاذبه‌ها انسان را به سوی کانون‌های

غیرمادی، یعنی اموری که نه حجم دارد، و نه سنگینی و قابل سنجش با امور مادی نیست، می‌کشاند. (همان: 20) فهرست جاذبه‌های معنوی که تا امروز شناخته شده و مورد تأیید دانشمندان قرار گرفته‌اند، به این ترتیب است:

1. علم و دانایی: انسان غریزه حقیقت‌جویی و تحقیق دارد؛ به این معنی که نفس دانایی و آگاهی برای انسان، مطلوب و لذت‌بخش است، حتی اگر در روند زندگی مادی او هیچ تأثیر و سودی نداشته باشد. (همان)

2. خیر اخلاقی: بسیاری از کارها را انسان به جهت «ارزش اخلاقی» انجام می‌دهد؛ نه به جهت امور مادی. این از مختصات انسان است و به جنبه معنوی و کشش‌های فرامادی او مربوط می‌شود. (همان: 21 و 22)

3. جمال و زیبایی: علاقه به جمال و زیبایی، قسمت مهمی از زندگی انسان را تشکیل می‌دهد؛ به گونه‌ای که این کشش معنوی در همهٔ شؤون زندگی او ظهور می‌یابد. (همان: 22 و 23)

4. تقدیس و پرستش: یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین کشش‌های روح آدمی، حس تقدیس و پرستش است که یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود آدمی را تشکیل می‌دهد. (همان: 23 - 25)

سه. شهید صدر: شهید سید محمدباقر صدر نیز با استناد به احکام ثابت و متغیر در اسلام، این ثبات و تغییر را متأثر از وجود نیازهای ثابت و متغیر در وجود انسان می‌داند. (صدر، 1385: 69، 101 و 102) در نگاه ایشان نیازهای ثابت از ذات انسان سرچشمه می‌گیرند و چون انسان در ذات خود دو بعد مادی و روحی دارد، به همین سبب نیازهای ثابت او نیز به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می‌شوند. (همان، 1424: 75) نیاز به همسر و تأمین زندگی مادی و مانند آن، از جمله نیازهای ثابت مادی و نیاز به ارتباط با خدا، آزادی‌های شخصی و اجتماعی و مانند آنها، از جمله نیازهای ثابت معنوی انسان شمرده می‌شوند.

چهار. استاد مصباح یزدی: ایشان در این باب با ظرافت بیشتر و از زوایای مختلفی به اظهار نظر می‌پردازد. (مصباح یزدی، 1388: 419 - 412) خواست‌ها و امیال انسان را

- با توجه به نگاه ایشان - می‌توان در سه گروه کلی جمع‌بندی کرد:

(الف) امیال باطنی، شامل:

1. غرایز، مانند: غریزه خوردن، آشامیدن و غریزه جنسی.
2. عواطف، مانند: عاطفه والدین به فرزند و عاطفه معنوی معلم به شاگرد.
3. انفعالات، مانند: نفرت، خشم و کینه.
4. احساسات، مانند: احساس تعجب، استحسان، تجلیل و عشق. (همان: 215 -

(213)

(ب) خواست‌های پست، شامل: یک سلسله از خواست‌های حیوانی، مانند:

شهوت‌پرستی، شکم‌بارگی، سدّ احسان، حرص، حبّ دنیا و... (همان: 216 و 217)

(ج) خواست‌های متعالی، که از خواست‌های حیوانی بالاترند، مانند: شخصیت‌طلبی،

استقلال‌جویی، میل به بقا و از همه بالاتر، میل نهانی ویژه در ژرفای وجود انسان نسبت

به خدا. (همان: 220 - 217)

در نگاه ایشان، خواست‌ها و تمایلات انسان را از دید دیگری، می‌توان، این‌گونه تقسیم

کرد:

1. آنچه جنبه مادی و فیزیولوژیک دارد.
2. آنچه جنبه روانی دارد، اما از خواست‌های نازل روحی است، مثل: شادی و آرامش.
3. آنچه جنبه روانی دارد، اما از خواست‌های عالی روحی است، مانند: آرمان‌خواهی، آزادی‌طلبی و... این گروه از خواست‌ها که می‌توان نام آنها را «آرمان‌های والای انسانی» گذاشت، چهار دسته‌اند:

1. حق‌جویی، یعنی شناخت واقعیات و حقایق.
2. فضیلت‌خواهی، مانند: عدالت، حریت و... .
3. زیباطلبی، یعنی مطلق‌زیبایی‌هایی که علاقه انسان به آنها تعلق می‌گیرد که برخی به دیدنی‌ها، برخی به شنیدنی‌ها، برخی به تخیل و... مربوط است.
4. حس مذهبی، که خواستی در عرض اقسام سه گانه است و بنا بر نظر برخی آن سه در شعاع این قرار دارند. (همان: 220 و 221)

ب) نیازهای انسان از منظر روان‌شناسان

روان‌شناسی دانش «مطالعه علمی رفتار انسان» است. (ویتیک، 1386: 13) بحث از نیازهای انسان در این دانش، از دریچه رفتار انسان، مورد توجه است، به این دلیل که نیازهای انسان را سرچشمه و هدایت‌کننده رفتار او می‌دانند. (اس کارور، 1375: 184 - 182)

در میان روان‌شناسانی که درباره سلسله مراتب نیازهای انسان بحث کرده‌اند، نام دانشمندانی همچون کارل راجرز، آبراهام مزلو (خداپناهی، 1387: 192)، کلایتون آلدرفر و فردریک هرزبرگ (شولتز، 1386: 376) به چشم می‌خورد؛ اما نظریه مزلو در این خصوص شاید روشن‌ترین و کامل‌ترین اظهارنظر باشد. براساس این نظریه، همه رفتارهای انسان از مجموعه نیازهایی که «سلسله مراتب نیازها» را شکل می‌دهند، سرچشمه می‌گیرد. مزلو این نیازها را به سه گروه کلی تقسیم می‌کند:

یک. نیازهای وجودی

تعدادی از نیازهای ذاتی که رفتار هر فرد را فعال و هدایت می‌کنند غریزی‌اند، یعنی هر انسانی مجهز به آنها به دنیا می‌آید. از ویژگی‌های این نیازهای همگانی، قرار گرفتن آنها در یک ترتیب سلسله مراتب اهمیت است. (همان: 361) این گروه از نیازها از پایین به بالا بدین قرارند:

1. نیازهای فیزیولوژیکی، مانند: نیاز به غذا، آب، هوا، جنس مخالف و خواب.
2. نیازهای ایمنی، مانند: نیاز به امنیت، نظم و ثبات، حمایت و رهایی از ترس و اضطراب.
3. نیازهای تعلق داشتن و عشق، مانند: روابط دوستانه و صمیمانه با دیگران، تعلق به گروه همسال و... .
4. نیازهای احترام: به صورت عزت نفس و احترام از سوی دیگران ظهور می‌کند.
5. نیاز به خود شکوفایی: برآوردن همه توانایی‌های بالقوه خود که پس از برآورده شدن همه نیازهای قبلی، نوبت به آن می‌رسد. (همان: 366 - 362)

دو. نیازهای شناختی

این گروه از نیازها نیز ریشه در ذات انسان دارند و رفتار انسان را به سوی کارها و فعالیت‌هایی می‌کشاند. کنجکاوی، نیاز به دانستن، نیاز به فهمیدن و یافتن معنی زندگی، در سلسله مراتب نیازهای شناختی انسان قرار دارند. (همان: 366 و 367)

سه. فرایندها (ارزش‌های وجودی)

پس از برآورده شدن نیازهای وجودی و رسیدن افراد به مرحله «خود شکوفایی»، گروه دیگری از نیازها (تنها برای این افراد) ظهور می‌کند که به خودی خود هدف‌اند؛ نه وسیله برای رسیدن به هدفی دیگر. (همان: 369) مزلو از این دست از نیازها به «فرایندها» یا «ارزش‌های وجودی» تعبیر می‌کند و بر این باور است که فرایندها مانند نیازها رفتار می‌کنند و ارضا نشدن آنها زیان‌آور است؛ مانند ناتوانی در ارضای هر نیاز سطح پایین‌تر که زیان‌بار است. (همان: 369 و 370)

در نگاه مزلو نیاز به حقیقت، نیکی، یگانگی، کمال، عدالت، جامعیت، زیبایی، خوبی، پرمعنایی (در مقابل یأس و بی‌معنایی)، سادگی و... از جمله فرا نیازها به شمار می‌آیند. (همان: 371) آخرین جلوه از فعلیت سرشت آدمی که مزلو شاهد آن بوده، «تجربه اوج» است که آن را در آخرین نظریه‌پردازی‌ها، بالاترین درجه خود شکوفایی می‌داند. (ابوترابی، 1386: 87)

ج) جمع‌بندی دیدگاه‌ها در باب نیازها

نخستین و بدیهی‌ترین نکته «اصل نیازمندی» انسان است. نیازمندی جزئی از ذات انسان است. به همین سبب هرگز نمی‌توان به تصویر درستی از انسان بدون نیازمندی‌هایش دست یافت. نیازمندی‌های انسان را می‌توان براساس ابعاد وجودی وی به سه گروه تقسیم کرد:

یک. نیازهای برآمده از بعد مادی و فیزیولوژیک انسان: نیاز به خوردن، آشامیدن، لباس، جنس مخالف، خواب، هوا، مسکن و آنچه مزلو تحت عنوان نیازهای وجودی مطرح کرده است، در این گروه قرار دارند.

دو. نیازهای برآمده از بعد روانی انسان: نیاز به شادی، امنیت، آرامش، آزادی، تعاون، عزت نفس، عاطفه، خشم و کینه، خودشکوفایی، کنجکاوی، دانستن و فهمیدن در این گروه قرار دارند.

آنچه استاد مصباح یزدی با عنوان «نیازهای نازل روحی» یا استاد مطهری با عنوان «نیازهای اجتماعی» و مزلو با عنوان «نیازهای شناختی» مطرح کرده‌اند، در همین گروه جای می‌گیرند.

سه. نیازهای برآمده از بعد روحی انسان: نیاز به حقیقت [حق‌جویی]، فضیلت‌خواهی، زیبایی‌طلبی، حس پرستش و آنچه استاد مصباح یزدی با عنوان «نیازهای عالی روحی» و یا مزلو با عنوان «فرانیاها» مطرح کرده‌اند، همگی در همین گروه جای می‌گیرند. نیازهای بالا از آن جهت که از عمق وجود انسان سرچشمه می‌گیرند، همواره ثابت هستند و به هیچ روی در نسل‌های مختلف عوض نمی‌شوند. آنچه در بستر جاری زمان از نسلی به نسل دیگر یا از عصری به عصر دیگر تغییر می‌کند، فقط برخی از روش‌ها و شکل‌های پاسخ‌گویی به نیازهای انسان است. برای مثال پاسخ‌گویی به نیاز ثابت انسان به خوردن، ممکن است در عصری در قالب گیاه‌خواری، و در عصرهای بعد در قالب‌های خام‌خواری، غذاهای پخته شده و ترکیبی تأمین شود، هم‌چنان‌که هرکدام از این روش‌ها ممکن است در عصر خود شکل‌های متنوعی داشته باشند. در مورد نیاز به مسکن نیز روش‌ها و مشکل‌های پاسخ‌گویی در بستر زمان بسیار متنوع بوده است. در باب تأمین شادی، امنیت و آرامش، نیاز به دانستن و فهمیدن و بسیاری از نیازهای ملموس و فراگیر نیز، واقعیت‌های موجود از اشکال و روش‌های متفاوت و متنوع در بر آوردن آنها، در عصرها و نسل‌های مختلف، پرده بر می‌دارد.

در باب پاسخ‌گویی به نیاز به حقیقت [حق‌جویی] که از نیازهای روحی انسان است، راه‌ها و روش‌های متنوعی پدید آمده است و مطالعه در آفاق و مطالعه در انفس با روش‌های علمی، فلسفی و عرفانی بیانگر همین تنوع است. حس پرستش که از نیازهای روحی انسان به شمار می‌آید، همواره در جریان زمان ثابت بوده، اما روش‌ها و اشکال

پاسخ‌گویی به آن در بستر زمان با تغییر و تحول بسیاری روبه‌رو شده است. بنابراین آنچه گذشت نیازهای انسان بر دو گونه است: 1. نیازهای ثابت جسمی، روانی و روحی، 2. نیازهای متغیر به روش‌ها و شیوه‌ها، برای تأمین نیازهای ثابت و پاسخ‌گویی به نیازهای جدید.

د) انسان عصر جدید و نیازهایش

انسان عصر جدید را می‌توان در دو حوزه بسیار مهم، متمایز از انسان عصر قدیم دانست: یک. در حوزه شناخت‌ها؛ دو. در حوزه تکنولوژی.

امتیاز انسان عصر جدید در این دو حوزه سبب شده است:

اولاً: هستی در نگاه وی بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر از گذشته به نمایش در آید. ثانیاً: این قدرت را به وی داده است که در بسیاری از فضاها، مانند فضا، کرات آسمانی، اعمال اقیانوس‌ها، اعماق زمین، قطب جنوب و... حضور مؤثر یابد. ثالثاً: به او کمک کرده است اشکال جدیدی از ارتباطات را با ابزارهایی چون مطبوعات، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت پدید آورد. (کلانتری، 1382: 328 و 329)

مجموعهٔ تحولات پدید آمده در فضای ذهن و زندگی انسان عصر جدید از رهگذر شناخت‌ها و تکنولوژی‌ها دو دستاورد داشته است:

1. روش‌ها و شکل‌های جدیدی را برای رفع نیازهای جسمی، روانی و روحی در اختیارش گذاشته است.

2. فهرست بلندی از موضوعات و مسایل جدیدی را که در زندگی انسان عصر قدیم سابقه نداشت، پیش روی او قرار داده است. برای مثال چون انسان عصر جدید توان تسخیر کره ماه را یافته این مسئله جدید برایش پیش آمده است که در کره ماه به کدام سمت نماز بخواند، یا چون توان شبیه‌سازی را به دست آورده، ده‌ها مسئله جدید حقوقی نیز برایش مطرح شده است. تشریح بدن مرده، لقاح مصنوعی، پیوند اعضا از زنده به زنده

و یا از مرده به زنده، تجارت جهانی، تروریسم در انواع جدید آن، بانک، بیمه و دهها موضوع جدید دیگر، همگی از این دسته‌اند.

بر این اساس، انسان عصر جدید با انسان عصر قدیم در اصل نیازهای ثابت جسمی، روانی و روحی برابر است و آنچه تغییر کرده عبارت است از:

1. ظهور روش‌ها و شیوه‌های جدیدی که در خدمت رفع نیازهای انسان قرار گرفته است.

2. ظهور موضوعات و مسایل جدیدی که در پی شناخت‌ها و پیشرفت‌های انسان در این عصر پدید آمده است.

2. راهکارهای پاسخ‌گویی قرآن به نیازها

قرآن کتاب هدایت است (بقره / 185؛ قصص / 43) به همین سبب آیات آن پاسخ‌های عینی به نیازهای انسان در مسیر حرکت به کمال نهایی‌اند. نگاه جامع به آیات قرآن و بررسی دقیق معارف، آموزه‌ها و هدایت‌های آن، از منظر نیازهای انسان، این حقیقت را در اختیار ما می‌گذارد که قرآن کریم دو دسته راهکار عینی برای پاسخ‌گویی به نیازهای انسان عرضه نموده است:

الف) راهکارهای عینی بر محور نیازهای ثابت انسان

پیش از این، نیازهای ثابت انسان را سه دسته (مادی، روانی و روحی) کردیم. اینک به تناسب همان نیازها، به بررسی و تبیین آیات قرآن می‌پردازیم.

یک. راهکارهای عینی بر محور نیازهای مادی

اول. نخستین نیاز مادی انسان خوردن و آشامیدن است و ادامه حیات مادی‌اش در گرو برآورده شدن آن می‌باشد. نخستین پیام وحی در این خصوص این است که: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ». (عبس / 24) به یقین مراد از نظر کردن در آیه مذکور، نگاه سطحی نمی‌باشد، زیرا لازم است:

1. بداند چه چیز را باید برای تهیه غذا به منزل آورد؛ 2. چگونه باید بپزد؛ 3. چگونه باید بخورد؛ 4. چه وقت باید بخورد؛ 5. کجا باید بخورد؛ 6. با چه باید بخورد؛ 7. با که

باید بخورد؛ 8. در چه باید بخورد؛ 9. چه مقدار باید بخورد. (پاک‌نژاد، بی‌تا: 8 / 210)
قرآن در آیات متعددی بر خوردن از غذایی که دو شرط «حلال بودن» و «پاک بودن» را دارد، تأکید می‌ورزد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا». (بقره / 168؛ مائده / 88؛ نحل / 114) همچنین در آیات دیگری چارپایان (نحل / 5؛ انعام / 142)، آبزیان (نحل / 14؛ مائده / 96) و گیاهان و محصولات کشاورزی (عبس / 32 - 27؛ نازعات / 33 - 31) را به عنوان منابع خوراکی انسان معرفی می‌نماید.

از سوی دیگر آب (انبیاء / 30)، شیر (نحل / 66) و عسل (نحل / 68 و 69) را منابع نوشیدنی و حیات‌بخش برای انسان معرفی نموده است.

قرآن، در عرض راهکارهای ایجابی، برخی از راهکارهای سلبی را نیز در زمینه خوردن و آشامیدن پیش روی انسان می‌گذارد. نهی انسان از خوردن مردار، خون و گوشت خوک (مائده / 3) و نوشیدن خمر (بقره / 219) که حرمت ذاتی دارند، همچنین پرهیز دادن از خوردن گوشت حیوانی که با نام غیرخدا ذبح شده یا خفه شده یا بر اثر بیماری یا زدن، مرده است یا از بلندی سقوط کرده و جان سپرده یا به ضرب شاخ کشته شده یا به وسیله درنده از پای درآمده یا در برابر بت‌ها سربریده شده است (همان) که حرمت عرضی دارند، یا آنچه از راه ربا به دست آمده (بقره / 275) یا از طریق غصب فراهم شده است (نساء / 29)، از این دسته‌اند. قرآن کریم در آیات متعددی از اسراف در خوردن و آشامیدن نیز نهی کرده است. (اعراف / 31؛ انعام / 141؛ نساء / 6)
دوم. لباس از نیازهای اساسی انسان است. تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد انسان همیشه لباس می‌پوشیده است. (کاکس، 1386: 5) قرآن کریم به دو فائده مهم لباس تصریح می‌کند:

1. حفظ عورت و زینت‌بخشی آن: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيثًا...» (اعراف / 26) و «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...» (اعراف / 31)

2. جنبه حفاظتی آن در برابر گرما و سرما: «وَجَعَلْ لَكُمْ سَرَابِيلَ

تَقِيكُمْ الْحَرَّ». (نحل / 81) «سراییل» جمع سربال، به معنی پیراهن است، البته برخی از مفسران آن را به معنای هرگونه لباس و پوششی دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، 1381: 11 / 347)

قرآن کریم افزون بر این، به دو منبع اصلی تهیه لباس، یعنی چارپایان (نحل / 5) و نباتات (عبس / 32 - 26؛ نازعات / 33 - 30) نیز اشاره و از اسراف در مصرف لباس نیز نهی کرده است. (اعراف / 31)

قرآن کریم همچنین زنان با ایمان را به منظور در امان ماندن از نگاه‌های هوس‌آلود به آشکار نکردن زینت‌ها و پوشیدن سر، گردن و سینه در برابر مردان نامحرم امر نموده است. (نور / 31؛ احزاب / 59)

سوم. غریزه جنسی از نیرومندترین و سرکش‌ترین غرایز ذاتی انسان است و به همین سبب نیاز به جنس مخالف یکی از نیازهای اصلی انسان به شمار می‌آید. قرآن کریم ازدواج را تنها راه صحیح پاسخ‌گویی به این نیاز می‌داند و می‌گوید: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». (نور / 32) چون ازدواج دایم برای عده‌ای که به سن ازدواج رسیده‌اند، همواره امکان‌پذیر نیست، قرآن کریم برای جلوگیری از انحراف غریزه جنسی دو راهکار اساسی را پیش روی مؤمنان می‌گذارد:

1. رعایت عفت و پارسایی: «وَلَيْسَتَّعْفِيفُ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (همان / 33)
2. ازدواج موقت. (نساء / 24)

قرآن کریم نسبت به حفظ غریزه جنسی و کنترل آن در مسیر صحیح، توصیه‌های فراوانی کرده (مؤمنون / 5 و 6؛ نور / 30 و 31؛ احزاب / 35؛ معارج / 29)، زنا را کاری بسیار زشت و بیراهه (اسراء / 32)، مرد و زن زناکار را مستحق عقوبت (نور / 2) و لواط را در ردیف زنا و انحراف روشن از مسیر صحیح غریزه جنسی دانسته است. (نحل / 54 و 55؛ عنکبوت / 28 و 29؛ اعراف / 108؛ آیات دیگر)

چهارم. نیاز به مسکن نیز از نیازهای مادی انسان است. مسکن از ماده «سکن» به

معنای ثبات، استقرار و آرامش می‌باشد. (ابن منظور، 1996: ذیل واژه مسکن) مسکن مناسب باید تأمین‌کننده امنیت و آرامش جسمی و روحی ساکنان خود باشد. قرآن کریم نیز خانه‌هایی که سکونت و آرامش را برای آدمیان به ارمغان می‌آورند، از نعمت‌های خدا می‌داند و می‌گوید:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ... (نحل / 80)

و خدا برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد و از پوست چارپایان نیز خانه‌هایی برای شما قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان به آسانی می‌توانید آنها را جابه‌جا کنید.

در نگاه قرآن، استقرار آدمیان بر زمین بدین منظور بوده تا آنان بتوانند از زمین‌های مسطح و کوه‌ها قصرهای مجلل و خانه‌های مستحکمی برای خود برگیرند:

وَبُيُوتِكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهولِهَا قُصُورًا وَتَنْجُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَادُّكُرُوا
آلَاءَ اللَّهِ وَتَتَعَبُّوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.
(اعراف / 74)

از سوی دیگر، مسکن مناسب در نگاه قرآن، باید از در و دیوار مطمئن برخوردار باشد تا اهل خود را در برابر دشمن محافظت کند:

وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ
إِلَّا فِرَارًا. (احزاب / 13)

قرآن کریم رعایت اعتدال و پرهیز از بیهوده‌کاری را در امر مسکن نیز توصیه و در آیه ذیل از زبان حضرت هود در انتقاد به برخی از ساخت و سازهای بیهوده قومش، می‌گوید:

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ. (شعراء / 128)
آیا بر سر هر بلندی بنایی نشانه‌دار می‌سازید، در حالی که کاری بیهوده انجام می‌دهید.

و در ادامه چنین می‌گوید:

وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ . (شعراء / 129)
و کاخ‌های استوار بر می‌گیرید تا شاید شما (در دنیا) جاودانه بمانید.

به یقین اصل مسکن مناسب و مستحکم مورد مذمت این آیات نیست، بلکه غفلت از سرای آخرت در اثر تجمل‌پرستی و محکم‌کاری بی‌حساب در کاخ‌ها و قصرها به گونه‌ای که دنیا در نگاه آنان همچون سرای همیشگی جلوه نماید؛ مورد سرزنش است. (طباطبایی، 1414: 15 / 300؛ مکارم شیرازی، 1381: 15 / 293)

دو. راهکارهای عینی بر محور نیازهای روانی

فهرست بسیاری از نیازهای روانی انسان در صفحات پیشین مطرح شد. اینک راهکارهای عینی قرآن کریم در خصوص مهم‌ترین نیازهای روانی را تبیین می‌کنیم.

اول. نیاز به امنیت و آرامش روانی یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان به شمار می‌آید. مکاتب روان‌درمانی در پاسخ به این نیاز اساسی انسان، روش‌ها و راهکارهای متنوعی عرضه نموده‌اند که شاید در عمل چندان هم با توفیق قرین نبوده‌اند، اما بررسی تاریخ ادیان الهی، به ویژه دین اسلام، نشان می‌دهد که ایمان به خدا در تحقق امنیت روانی و آرامش و پیشگیری از اضطراب و بیماری‌های روانی ناشی از آن کاملاً موفق بوده است. (ر.ک. به: نجاتی، 1386: 367 و 368) برخلاف مکاتب روان‌درمانی که پس از ابتلای انسان به اضطراب و بیماری‌های روانی به درمان وی می‌پردازند، ایمان به خدا اگر به معنی واقعی در وجود انسان استقرار یابد، نوعی مصونیت و پیشگیری از بیماری‌های روانی را به وجود می‌آورد. قرآن کریم این حقیقت را با صراحت این‌گونه بیان می‌کند:

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ
أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ . (انعام / 82)
آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها برای آنهاست و آنها هدایت‌شدگان هستند.

در آیه دیگری می‌خوانیم:

الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ
أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. (رعد/ 28)

قرآن کریم، ایمان را وسیله اصلی پیشگیری از هرگونه خوف و حزنی می‌داند. (بقره / 112؛ فصلت / 30 و 31؛ احقاف / 13)

ایمان واقعی به خدا، انسان را در برابر آزمایش‌ها و فراز و نشیب‌های سهمگین زندگی استوار می‌سازد (حدید / 22 و 23)، مرگ را در نگاهش آسان می‌کند (فصلت / 30 و 31) و اعتراف به گناه و طلب بخشش از درگاه خداوند را وسیله‌ای برای افزایش امید (دهر / 53) و هدایت و تقرب بیشتر به خداوند قرار می‌دهد. (طه / 82)

قرآن کریم افزون بر اینکه ایمان به خدا را یگانه وسیله تحقق امنیت روانی می‌داند، راهکار مشخص و اجراپذیری برای روان‌درمانی بیماران روانی عرضه می‌کند. این راهکار که تلفیقی از دو بخش نظری و عملی است در آیات بسیاری از قرآن با صراحت تبیین شده است. (نجاتی، 1386: 415 - 382)

دوم. نیاز به شادی هم از نیازهای روانی انسان است. شادی امری نسبی است، بدین معنا که مبتنی بر تحقق اهداف، آرزوها و خواسته‌هایی است که انسان برای زندگی خود ترسیم کرده است. هرگاه انسان به هدف، خواسته یا آرزوی مورد علاقه‌اش دست یابد، حالتی از شادی و سرور در خود احساس می‌کند. در نگاه قرآن شادی‌های انسان دو گونه‌اند: شادی‌های گذرا و شادی‌های پایدار و عمیق. شادی‌های نوع اول برآمده از رسیدن به اهداف دنیوی است که منتهای توجه به آخرت و با نگاه اصیل به حیات دنیوی، پدید می‌آیند. قرآن در این خصوص می‌گوید:

وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ
الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ. (رعد/ 26)

ویژگی چنین سروری در نگاه قرآن عدم پایداری آن است:

وَلَئِنْ أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ

نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَنُوسُ كَفُورٌ * وَ لَئِن
 أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ
 السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ. (هود/9 و 10)

و اگر از سوی خویش نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، بسیار
 نومید و ناسپاس خواهد بود و اگر بعد از شدت و رنجی که به او رسیده،
 نعمت‌هایی به او بچشانیم، می‌گوید: مشکلات از من برطرف شد، و دیگر باز
 نخواهد گشت و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می‌شود.

شادی‌های نوع دوم در نگاه قرآن برآمده از ایمان و عمل صالح‌اند که با هدف
 قراردادن و توجه به حیات اخروی پدید می‌آیند:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ
 فَلَنُحْيِيَنَّاهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ
 بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (نحل/97)

حیات طیبه مفهومی بس گسترده دارد. پاکیزگی از هرگونه آلودگی، ظلم، خیانت،
 دشمنی، اسارت، ذلت و انواع نگرانی‌ها و هر آنچه آب زلال زندگی را در کام انسان تلخ
 می‌سازد، همگی در شعاع این مفهوم گسترده قرار دارند. (ر.ک. به: مکارم شیرازی،
 1381: 11 / 391) قرآن کریم در بیان حال شهیدان راه خدا، آنان را شادمان به آنچه
 خدا ارزانی داشته است، توصیف می‌کند. (آل عمران / 170) همچنین در بیان پاداش
 عترت پیامبر ﷺ که برای رضایت حضرت حق غذای خود را خالصانه به مسکین و یتیم
 و اسیر بخشیدند، از نوعی شادی و سرور عمیق اخروی سخن می‌گوید. (انسان / 11)
 براساس آنچه گذشت راهکار عینی قرآن در باب شادی‌های انسان، «هدایت و
 جهت‌دهی آن به مسیر اساسی ایمان و عمل صالح و اندیشه پایدار حیات اخروی» است.
 سوم. نیاز به محبت و عشق، نیاز روانی انسان است. نیاز به عشق و محبت به
 شکل‌های گوناگونی در وجود انسان ظهور می‌یابد، روابط دوستانه با دیگران، رابطه با
 دوستان خاص [فرزندان و همسر] یا موقعیت در یک گروه ویژه یا کل جامعه، (ر.ک. به:
 شولتز، 1386: 364 و 365) همچنین رابطه با اشیای مادی یا مفاهیم معنوی یا
 انتزاعی.

از سوی دیگر، نیاز به محبت و عشق امری دو سویه است، یعنی هم شامل عرضه محبت و هم شامل دریافت آن می‌شود. چون حب و عشق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و شکوفا شدن آن به صورت خودجوش و فطری تحقق می‌یابد، قرآن کریم در پی تعدیل و جهت‌دهی مثبت آن برمی‌آید. در نگاه قرآن، بارزترین شکل این ویژگی روانی در «حب ذات افراطی» ظهور می‌یابد که اثر آن ترس و بی‌تابی هنگام گرفتاری، حرص و آز در به دست آوردن مال و مقام دنیا و خست و بخل هنگام رسیدن به مال دنیاست. قرآن شیوه تعدیل این حب افراطی را ایمان به خدا، اقامه نماز، پرداخت زکات و صدقه به فقرا و مستمندان و محرومان و ایمان به معاد و شفقت از عذاب الهی می‌داند. (معارج / 27 - 19)

خداوند در قرآن محبت برخواسته از ایمان را از عالی‌ترین شکل‌های عشق و محبت می‌داند و ایجاد آن را به خود نسبت می‌دهد:

هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ * وَ أَلْفَ بَيْنٍ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بِئِن قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ . (انفال / 62 و 63)

قرآن مودت و رحمت بین همسران را نیز معلول جعل تکوینی خدا می‌داند. (روم / 21) برخی از اشکال عشق و محبت در نگاه مردمان دنیاگرا از زیبایی و جذابیت خاصی برخوردار است، مانند حب شهوات از زنان، فرزندان، اموال فراوان از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چارپایان و زراعت. قرآن علاقه افراطی به این زیبایی‌های دنیوی را مذمت و در مقابل، آنچه را که در مسیر تأمین سرای آخرت باشد، تشویق می‌کند. (آل عمران / 14) محبت پدری نیز تا آنجا مورد تأیید قرآن قرار می‌گیرد که با ایمان راستین و عشق به خداوند در تعارض نباشد. (هود / 45 و 46) قرآن کریم در راستای جهت دادن صحیح به توان ذاتی محبت و عشق آدمیان، والاترین، کامل‌ترین و خالص‌ترین نوع محبت را عشق مؤمنان به خدای بزرگ معرفی می‌کند:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا

لَيْلَهُ (بقره / 165؛ رک. به: آل عمران / 31؛ مائده / 54؛ توبه / 24)

چهارم. نیاز به علم، دانستن و فهمیدن بخش دیگری از نیازهای اساسی انسان است. همان گونه که گذشت، برخی اندیشمندان این نیاز را در ردیف نیازهای عالی روحی و برخی حدفاصل نیازهای وجودی و فرانیازها قرار داده‌اند. مسلم است که چنین نیازی از عمق وجود آدمی سرچشمه می‌گیرد و رسیدن به آن در نگاه قرآن از ارزشی معادل ایمان به خدا برخوردار می‌باشد: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ». (مجادله / 11)

چون وجود چنین نیازی در انسان از قوه و ظرفیت ذاتی منحصر به فرد وی سرچشمه می‌گیرد، آیات متعددی از قرآن به روشنی به جهت‌دهی این توان در مسیر شناخت و درک حقیقت هستی، مبدأ، معاد و هدف هستی پرداخته‌اند.

ابزارهای متعددی برای رسیدن به این نیاز اساسی، در وجود انسان تعبیه شده است که برخی حسی و برخی عقلی‌اند. در نگاه قرآن به کار نگرفتن این ابزارها برای رسیدن به شناخت صحیح از حقایق هستی، آدمی را از جایگاه والای خود در نظام آفرینش تنزل می‌دهد و وی را در جایگاهی پست‌تر از چارپایان می‌نشانند:

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ
لَا يَعْقِلُونَ. (انفال / 22)
وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ
لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا
يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا
أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ
الْغَافِلُونَ. (اعراف / 179)

در نگاه قرآن به موازات تعبیه ابزارهای لازم برای علم و آگاهی در وجود انسان، نشانه‌های گوناگونی نیز در هستی قرار داده شده است تا شناخت حقیقت هستی توسط انسان به درستی انجام گیرد: «سُنِّرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...». (فصلت / 53)

علم، شناخت و فهم در نگاه قرآن چنان اهمیتی دارد که صدها آیه - مستقیم و

غیرمستقیم - درباره آن سخن گفته‌اند. 135 آیه، انسان را به «تفکر»، «تعقل»، «تدبر»، «تحصیل عقل ناب»، «شعور» و «فهم عالی» فرا می‌خوانند. این آیات، به ضمیمه آیاتی که در مورد ضرورت پرداختن به علم و آگاهی - به طور غیرمستقیم - سخن گفته‌اند، بیش از سیصد آیه از آیات قرآن را شامل می‌شوند. (ر.ک. به: جعفری، 1384: 223)

سه. راهکارهای عینی براساس نیازهای روحی

نیازهای روحی، عالی‌ترین نوع از نیازهای انسان است که شاید بتوان آن را شاخص اصلی تمایز انسان از سایر موجودات دانست. این بخش با رعایت اختصار به تبیین برخی راهکارهای قرآن در چگونگی پاسخ‌گویی به برخی از این نیازها اختصاص یافته است.

اول. زیبایی‌طلبی از جلوه‌های شگفت‌انگیز و مهم روحی انسان است که سطوح مختلفی دارد؛ برخی از سطوح ظاهری آن برآمده از زیبایی‌های محسوس و لذت و انبساط روانی است که از درک و دریافت آنها حاصل می‌شود و برخی از سطوح آن عمیق و برآمده از زیبایی‌های معقول و معنوی است. (همان: 180)

نخستین نکته‌ای که در باب زیبایی‌ها از قرآن می‌توان سراغ گرفت این است که قرآن زیبایی‌های هستی را به خدا نسبت می‌دهد و محروم ساختن انسان‌ها را از آنها توبیخ می‌کند: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ...». (اعراف / 32)

با اینکه زیبایی‌های موجود در هستی بر دو گونه‌اند؛ گروهی به صورت طبیعی و بر اساس آفرینش و گروهی با فکر و ذوق و تلاش انسانی پدید آمده‌اند، اما دلیل انتساب همه آنها به خداوند، در آیه مذکور، این است که زیبایی‌های پدید آمده توسط انسان نیز با الهام و هدایت فطری خداوند به انجام می‌رسند. (ر.ک. به: طباطبایی، 1414: 8 / 80) قرآن به انواع گوناگونی از زیبایی‌های هستی تصریح و آدمیان را به درک و بهره‌برداری از آنها ترغیب می‌کند. از این قبیل است:

زیبایی آسمان با تزیین ستارگانش: «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَكِبِ». (صافات / 6)

زیبایی ترکیب انسان و صورت او: «وَ صَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ». (غافر/

64: تغابن / 3

زیبایی جانداران: «و لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْجَوْنَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ». (نحل / 6)

زیبایی مناظر طبیعی روی زمین: «و تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ». (حج / 5؛ نحل / 60)

زیبایی آرمان‌های معقول از قبیل:

زیبایی ایمان: «و لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ...». (حجرات / 7)

صبر جمیل: «وَ إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ». (حجر / 85)؛ «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا». (معاذ / 5)

قرآن کریم زیبایی‌های روی زمین را وسیله آزمایش آدمیان می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا». (کهف / 7)

و از سوی دیگر به تقبیح برخی زیبایی‌ها می‌پردازد، مانند: حب شهوات (آل عمران / 14)، حیات دنیا برای کافران (بقره / 212)، سوء عمل بدکاران (محمد / 14)، عمل اسراف‌کنندگان (یونس / 12) و زیبایی زنان برای غیرمحرمان. (نور / 31)

دوم. نیاز به نیکی از دیگر نیازهای روحی انسان است که برخی جلوه‌های آن دو سویه‌اند، یعنی هم بذل نیکی به دیگران و هم دریافت نیکی از آنان را شامل می‌شود. قرآن کریم با ارایه تعریف کاملی از نیکی، آدمیان را به صراحت به آن فرا می‌خواند:

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ
وَ الْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ
الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى
الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى
وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي
الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ
وَ الْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ
فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ
الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ. (بقره / 177)

براساس این آیه نیکی این نیست که روی خود را هنگام عبادت به سمت مشرق یا مغرب قرار دهیم، بلکه مفهومی بسیار گسترده دارد که همه اصول اعتقادی و بسیاری از عبادات و فضایل اخلاقی مانند وفای به عهد، صبر و استقامت را شامل می‌شود. قرآن کریم در جهت‌دهی صحیح به این نیاز مهم روحی، آن را پس از عبادت خدا و پرهیز از شرک، مهم‌ترین وظیفه انسان می‌شمارد و نثار نیکی‌ها را براساس یک طبقه‌بندی، این‌گونه بیان می‌کند:

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ
بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَ
الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ
الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ
وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَاجِبٌ مَنْ كَانَ
مُخْتِلاً فَخُوراً . (نساء / 36)

قرآن کریم همگان را به تعاون برای نیکی و تقوا فرا می‌خواند و از همکاری برای گناه و دشمنی به دور می‌دارد. (مائده / 2) در نگاه قرآن، رسیدن به مقام نیکوکاری، در گرو انفاق از آنچه مورد علاقه انسان است، می‌باشد. (آل عمران / 92) قرآن افرادی که دیگران را به نیکی فرا می‌خوانند اما خود را فراموش می‌کنند، مذمت می‌کند (بقره / 44) و از مؤمنان می‌خواهد در گفتار خود نیز از نیکی و تقوا سخن بگویند و از پرداختن به گناه، دشمنی و نافرمانی پیامبر ﷺ بپرهیزند. (مجادله / 9)

سوم. میل به جاودانگی یکی دیگر از نیازهای روحی آدمی است که از زوایای جان ملکوتی وی سرچشمه می‌گیرد. وجود این میل در انسان باعث می‌شود با هر چه در نگاه وی حیات و هستی‌اش را در خطر می‌افکند، معارضا کند. ترس و فرار از مرگ از این نوع است: «قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ . . .». (جمعه / 8)

در نگاه قرآن، ایمان به آخرت و تلاش عملی برای رسیدن به سعادت اخروی، راهکار اصلی پاسخ‌گویی به این میل اساسی می‌باشد. قرآن این حقیقت را از زبان انسان مؤمنی از قوم فرعون، خطاب به آنان، این‌گونه بیان می‌کند: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ

الْقَرَارِ». (غافر / 39)

قرآن کریم دل‌بستگی مؤمنان به حیات دنیوی و غفلت از حیات پایدار اخروی را مذمت می‌کند و متاع دنیا را در برابر آخرت ناچیز می‌شمرد. (توبه / 38) در اندیشه قرآن دنیا سراب و ابزار سرگرمی و بازیچه گذرای انسان است و در نتیجه نمی‌تواند پاسخ‌گوی میل روحی او به جاودانگی باشد، در برابر، سرای آخرت زندگی واقعی است که می‌تواند این نیاز را به درستی پاسخ بدهد: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ». (عنکبوت / 64)

چهارم. انگیزه پرستش هم از جلوه‌های روحی انسان است که ری‌شه در فطرت و سرشت انسان دارد. انسان در اعماق وجود خود انگیزه‌ای را می‌یابد که او را به تحقیق و تفکر درباره مبدأ حقیقت جهان و عبادت و چاره‌جویی از او و پناه بردن به او و می‌دارد، هنگام هجوم مشکلات از او کمک می‌خواهد و اصولاً امنیت و آرامش خویش را در حمایت و توکل بر او جست‌وجو می‌کند. (ر.ک. به: نجاتی، 1386: 65) این همان چیزی است که قرآن از آن به دین حنیف و فطرت الله یاد می‌کند و انسان را بدان فرا می‌خواند:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي
فَطَّرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَّا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ
الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَّا يَعْلَمُونَ.
(روم / 30)

قرآن کریم در پاسخ به این انگیزه روحی، آدمیان را به عبادت خالصانه خدا فرا می‌خواند و آنان را در این عبادت از هر گونه شرکی بر حذر می‌دارد: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا». (نساء / 36)

قرآن کریم این حقیقت را بارها متذکر می‌شود که جز خدا هیچ الهی در هستی نیست که انسان‌ها بتوانند او را معبود قرار دهند و به عبادت و بندگی‌اش پردازند. (اعراف / 65 و 73 و 85؛ هود / 50 و 61 و 84) عبادت خدا یگانه راه مستقیمی است که قرآن بر آن تأکید بسیار می‌کند. (مریم / 36؛ زخرف / 64؛ آل‌عمران / 51)

قرآن کریم افزون بر اینکه انگیزه ذاتی پرستش انسان را به سمت یگانه معبود هستی سوق می‌دهد، قالب‌های معینی از عبادات را هم برای این منظور تعیین و تعدی از آنها را غیرمجاز اعلام می‌کند. فهرست این قالب‌ها چنین است: 1. نماز، 2. روزه، 3. زکات و 4. حج. آیات بسیاری به تشریح و تبیین این امور اختصاص یافته است.

بالاترین نوع عبادت نماز است که قرآن آن را ناهی از فحشا و منکر و ذکرالله اکبر معرفی می‌کند: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ». (عنکبوت / 45)

آنچه گذشت مختصری بود از آنچه می‌توان از آیات قرآن در باب بخشی از اصلی‌ترین نیازهای فیزیولوژیک، روانی و روحی انسان دریافت نمود.

نگارنده نیز به نیکی می‌داند پاسخ‌های عینی قرآن به انواع نیازهای انسان بسیار گسترده‌تر و دقیق‌تر از چیزی است که در این مقاله مورد توجه واقع شده است؛ اما از آنجا که بنای این نوشتار بر اختصار است، تنها خطوط کلی طرح جامع قرآن در باب نیازها مورد نظر است و تفصیل آن به فرصت و مجالی دیگر واگذار می‌شود.

ب) راهکارهای کلی در رویارویی با تغییرات عصری

گرچه نیازهای جسمی، روانی و روحی انسان در بستر زمان دچار تغییر و دگرگونی نمی‌شوند، اما جریان زمان از دو جهت نیازهای جدیدی را در زندگی انسان رقم می‌زند:

1. شیوه‌ها و اشکال جدیدی را برای پاسخ‌گویی به نیازهای ثابت به وجود می‌آورد.
2. موضوعات و مسائل جدیدی را می‌آفریند که سابقه نداشته‌اند.

در رویارویی با تغییرات نوع اول آنچه نیاز به شمار می‌آید آگاهی و اطمینان از مشروعیت یا نامشروع بودن به کار بردن آنها در برآوردن نیازهای ثابت انسانی است و در رویارویی با تغییرات نوع دوم، نیاز اساسی به‌دست آوردن راهکارهای عینی و عملی قرآن در خصوص هر یک از موضوعات و مسایل جدید می‌باشد.

مطالعه و بررسی آیات، روایات و نظرهای اندیشمندان دینی در این خصوص، این نتیجه بزرگ را در پی دارد که راهکارهای قرآن کریم در چگونگی رویارویی با این نیازها در سه راهکار بنیادی خلاصه می‌گردد:

1. بطون قرآن،

2. پیوند ناگسستگی قرآن و عترت،

3. اجتهاد روشمند در قرآن.

راهکارهای یادشده چنان جامعیتی دارند که اگر به درستی مورد توجه و دقت نظر قرار گیرند، هیچ نیازی از نیازهای بشر تا پایان عمر دنیا بی پاسخ نمی ماند. این راهکارهای بنیادی، قرآن را به عنوان آخرین نسخه آسمانی وحی در زندگی بشر به جریان و نطق می آورند و ذهن و زندگی بشر را در معرض بارش مستمر وحی آسمانی قرار می دهند. بررسی دقیق راهکارهای مذکور از گستره و حوصله این مقاله خارج است، از این رو باید به منابع دیگر مراجعه کرد.^۱

منابع و مأخذ

1. قرآن کریم.
2. ابن منظور، 1996، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
3. ابوترابی، علی، 1386، نقد ملاک های ناپهنجاری در روانشناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
4. اس کارور، چارلز، مایکل افشیر، 1375، نظریه های شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
5. پاک نژاد، سیدرضا، بی تا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
6. جعفری، محمدتقی، 1384، قرآن نماد حیات معقول، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چ 3.
7. خداپناهی، محمدکریم، 1387، انگیزش و هیجان، تهران، سمت، چ 10.
8. رشیدرضا، محمد، بی تا، تفسیر القرآن کریم (المنار)، بیروت، دارالفکر، چ 2.
9. سبجانی، جعفر، 1372، الهیات و معارف اسلامی، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، چ 3.
10. سید قطب، 1402ق، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق.
11. شولتز، دوان، 1386، نظریه های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی و دیگران، تهران،

۱. بنگرید به: کلانتری، 1382؛ همو، 1386؛ یوسفعلی، 1388.

ارسباران، چ 6.

12. صدر، سید محمدباقر، 1385، *نهادهای اقتصادی در اسلام*، ترجمه غلامرضا بیات و فخرالدین شوشترین، بی‌جا، بدر.

13. _____، 1424 ق، *المدرسه الاسلامیه*، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه.

14. طباطبایی، سید محمدحسین، 1339، «مقررات ثابت و متغیر در اسلام»، *مجله مکتب اسلام*، قم، ش 9، س دوم.

15. _____، 1414 ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی، چ 4.

16. _____، بی‌تا، *بررسی‌های اسلامی*، قم، هجرت.

17. کاکس، ویل، روت ترمز، 1386، *تاریخ لباس*، ترجمه شیرین بزرگمهر، تهران، توس، چ 4.

18. کلانتری، ابراهیم، 1382، *قرآن و چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای زمان*، قم، دفتر نشر معارف.

19. _____، 1386، «رموز بنیادین جاودانگی قرآن در بستر زمان»، *فصلنامه مشکوٰه*، ش 15، مشهد.

20. مصباح یزدی، محمدتقی، 1388، *معارف قرآن*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، چ 2.

21. مطهری، مرتضی، 1377 الف، *اسلام و مقتضیات زمان*، تهران، صدرا، چ 14.

22. _____، 1377 ب، *ختم نبوت*، تهران، صدرا، چ 11.

23. _____، بی‌تا، *انسان در قرآن*، تهران، صدرا.

24. معرفت، محمدهادی، 1374، *مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه.

25. مکارم شیرازی، ناصر، 1381، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ 21.

26. نجاتی، محمد عثمان، 1386، *قرآن و روان‌شناسی*، ترجمه عباس عرب، مشهد، آستان قدس رضوی، چ 7.

27. ویتیک، آرنو، 1386، *مقدمه روان‌شناسی*، تلخیص لوراسینت، ترجمه مهدی محی‌الدین بناب، تهران، رشد.
28. یوسفعلی، محمود، 1388، *قرآن و راهکارهای پاسخ‌گویی به نیازهای زمان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن، قم، مجتمع آموزش عالی امام خمینی.